

مقاله پژوهشی: رویکرد قانون اساسی و اسناد بالادستی نسبت به دیپلماسی عمومی

جمهوری اسلامی ایران

محمدجواد نصرالله‌زاده^۱، محمدباقر خرمشاد^۲، محمدحسین حبیب‌الله‌زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

چکیده

دیپلماسی عمومی مجموعه اقداماتی است که دولت‌ها برای ارتباط با ملل دیگر کشورها به اجرا می‌گذارند. انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی به دلیل خاستگاه مردمی، ارتباط با ملت‌ها را در سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده و این امر در قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف تبیین اصول مندرج در قانون اساسی و اسناد بالادستی در مورد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. تحقیق از نوع توسعه‌ای-کاربردی است. روش تحقیق آمیخته و از تحلیل محتوا و تفسیری و مطالعه اسنادی در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رویکرد قانون اساسی و اسناد بالادستی به دیپلماسی عمومی در سه زمینه دکترین، اهداف و سیاست‌گذاری قابل تمیز است و شش مورد دکترین، پنج مورد هدف‌گذاری و بیست و شش مورد سیاست‌گذاری مسیر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را مشخص ساخته است. بنا بر یافته‌های تحقیق، مفاهیم مرتبط با دیپلماسی عمومی در مفاد قانون اساسی و اسناد بالادستی بر مبنای خاستگاه و مبانی شکل‌گیری در چهار زمینه «مبانی دینی و اعتقادی»، «ارزش‌های انقلاب اسلامی»، «فرهنگ، تمدن و هنر ایران» و «ارتباطات فرهنگی بین‌الملل» قابل تفکیک می‌باشند. به‌رغم تأکید قانون اساسی و اسناد بالادستی، پیرامون برخی مفاد دیپلماسی عمومی، اجماع صریحی میان دستگاه‌ها وجود ندارد. تنقیح مجموعه دکترین، اهداف و سیاست‌های دیپلماسی عمومی مندرج در قانون اساسی و قوانین بالادستی و تبیین نقاط قوت و ضعف ضروری است. همچنین بنا بر محیط متغیر بین‌المللی و به‌منظور تمرکز هدفمند بر سیاست‌ها و منابع لازم است اثربخشی هریک از سیاست‌ها جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. استاد دانشگاه طباطبایی

۳. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی (نویسنده مسئول) ایمیل: mh.habib41@gmail.com

مقدمه

ماهیت مردمی انقلاب اسلامی موجب تغییر رویکرد اساسی در جوهره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شده است. به گونه‌ای که ادبیات جدیدی تحت «ارتباط با ملت‌ها» به سرفصل مهمی در مناسبات خارجی ایران تبدیل شد. امام خمینی^(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب، جهت‌گیری سیاست خارجی کشور را - علاوه بر جنبه‌های رسمی - به سمت تماس و ارتباط با توده‌های مردم ملل دیگر سوق داده و با هدف انتقال آرمان‌های انقلاب اسلامی بُعد جدیدی را به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران افزوده‌اند که امروزه از آن به‌عنوان دیپلماسی عمومی یاد می‌شود. حضرت امام^(ره) بر این باور بود که «صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی و اعمال اسلامی آنجا طوری باشد که مردم به آن گرایش پیدا کنند. مردم را به اسلام، به نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی آشنا کنید. صدور آن وقت است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی رشد پیدا بکند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۸۵). به نظر امام خمینی^(ره) سطح بین‌المللی مقدم بر سطح بین‌دولتی است. از نظر ایشان، ملت‌ها تصمیم‌گیرندگان اصلی در روابط بین‌الملل هستند و روابط میان آن‌ها مهم‌تر از روابط میان حکومت‌ها می‌باشد (دهشیری، ۱۳۹۰: ۲۷۹).

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. در رتبه بعدی سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی و قوانین برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین اسناد پایه، جهت‌گیری قوانین و خط‌مشی اجرایی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم کرده و چارچوبی را برای مدل دیپلماسی عمومی کشور ارائه نموده‌اند.

در طول چهار دهه گذشته، نهادهای متعددی برای اجرای گسترش دیپلماسی عمومی شکل گرفته‌اند؛ اما فقدان مدل دیپلماسی عمومی بر اساس قوانین اصلی کشور، برداشت‌های متفاوتی را متبادر کرده و زمینه را برای عدم انسجام در رویکرد نهادی و کارکردی دیپلماسی عمومی کشور موجب شده است. بروز نابسامانی و حتی ایجاد

تعارض در زمینه فهم و درک صحیح از اهداف دیپلماسی عمومی کشور میان سیاست‌گذاران و مجریان از جمله دیگر نتایج فقدان الگوی دیپلماسی عمومی است که به از دست رفتن فرصت‌ها و امکانات منجر می‌شود. ضمن اینکه تحقق اهداف دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران دو زمینه راهبرد و اجرا را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است.

توجه به راهبردها و اصول دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و استخراج آن‌ها از منظومه قانون اساسی و قوانین بالادستی، می‌تواند به‌عنوان نقشه راه مجریان دیپلماسی عمومی کشور مورد استناد قرار گیرد. بر همین مبنا ضروری است رویکرد قوانین بالادستی کشور به‌عنوان مهم‌ترین استنادات دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت مدون احصاء شود. بی‌شک این امر پیگیری کیفی و کمی اهداف مورد نظر کشور در این حوزه را تسهیل و به حرکت یکپارچه به‌سوی اهداف کمک می‌نماید. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که رویکرد و اهداف دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای قانون اساسی و قوانین بالادستی چیست؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی موضوع مورد تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی در رابطه با رویکرد قانون اساسی و قوانین بالادستی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت مشخص و مجزا انجام نشده است؛ اما تحقیقات متنوع و زیادی در رابطه با سایر موضوعات مرتبط با دیپلماسی عمومی ایران صورت پذیرفته است. از جمله می‌توان به «جایگاه سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ناصر حضی‌نیا، فصلنامه رهیافت سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸، «دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم» دکتر سید مصطفی احمدزاده، فصلنامه علوم سیاسی، «جایگاه قانون اساسی در سیاست خارجی»، سید جواد طاهایی، نشریه راهبرد، ۱۳۸۵ و «الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و

تأثیر آن در ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، قدرت ملی ایران»، سید صدرالدین موسوی، فصلنامه قدرت، اشاره داشت که در نتایج حاصله قسمتی از موضوعات در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته و در رابطه با غنا بخشیدن به موضوع مورد تحقیق و نیز شناخت ابعاد و مفاهیم آن مفید بوده است. نوع تحقیق حاضر از لحاظ هدف، توسعه‌ای - کاربردی می‌باشد. روش این پژوهش آمیخته (ترکیبی) است. در این تحقیق داده‌های اسنادی به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری جمع‌آوری شده است و در مورد متون قوانین و اسناد بالادستی از روش تحلیل جزءنگر استفاده شده است. در ادامه با استخراج مؤلفه‌ها و ابعاد قوانین و اسناد بالادستی و مقوله‌بندی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار و نظر خبرگان دسته‌بندی شد و در نهایت به انتخاب مضامین و مرتب کردن مؤلفه‌ها پرداخته شده است. از نظر حجم نمونه نیز از روش گلوله برفی استفاده شده است.

دیپلماسی عمومی

در تحقیقات مؤسسه مطالعات روابط بین‌الملل کلینگندال هلند آمده است: دیپلماسی عمومی مجموعه‌ای از اقدامات برای ارتباط با دیگر ملل است. دیپلماسی عمومی ارتباط مستقیم با مردم با هدف تأثیرگذاری بر افکار و اندیشه‌ها و در نهایت دولت آن‌هاست. محتوای دیپلماسی عمومی شامل سلسله اقداماتی در خارج از کشور در زمینه اطلاعات، آموزش و فرهنگ است که هدف آن‌ها تأثیرگذاری بر دولت‌های خارجی از طریق تأثیر گذاشتن بر شهروندان آن‌هاست. دیپلماسی عمومی دو وجه دارد: ۱) وجه اول آن تأثیر گذاشتن بر عامه مردم در کشور هدف است. ۲) وجه دوم آن اقناع آن‌ها برای فشار بر دولت خود جهت تغییر سیاست داخلی و یا خارجی است (Szondi, 2008: 7). دیپلماسی عمومی موجبات اعتماد سایر ملل را فراهم آورده، از این طریق زمینه برای انعقاد قراردادهای سیاسی، نظامی، اقتصادی برای سیاستمداران فراهم می‌گردد که به تأمین منافع ملی کمک خواهد کرد (Cultural Diplomacy, Sep 2005:1). ملیسن نیز در تعریف دیپلماسی عمومی گفته است که دیپلماسی عمومی روندی است که طی آن روابط مستقیم

با مردم یک کشور دیگر به منظور تعقیب منافع و گسترش ارزش‌ها صورت می‌پذیرد. دیپلماسی عمومی تعریف ارتباطات یک دولت با مردم خارج از کشور با هدف معرفی و درک عقاید، ارزش‌ها، ساختارها، فرهنگ و همچنین تعقیب اهداف ملی و سیاست‌های کشور می‌باشد (Melissen, 2005: 11). تعریف گولین از دیپلماسی عمومی عبارت است از: «ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباطات با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی». با این تعریف مسائلی از قبیل اعزام دانشجوی، پذیرش بورس‌های تحصیلی، خبرنگاران اعزامی، فرایند ارتباط بین فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی، پخش برنامه‌های صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قابل بحث است (هادیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۰). در مجموع دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها دانسته شده است که هدف آن استقرار طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر در جوامع دیگر است. در هر صورت باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی از اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی عمومی حمایت می‌کند.

قدرت نرم

قدرت نرم را می‌توان اهرم قوی دیپلماسی عمومی دانست. اصطلاح قدرت نرم - در برابر قدرت سخت - به کار می‌رود. نای در تعریف خود از قدرت نرم گفته است: «قدرت نرم عبارت است از: به دست آوردن خواسته مورد نظر از طریق جذابیت و نه اجبار و تشویق. قدرت نرم از جذابیت‌های فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود. وقتی از دیدگاه دیگران، سیاست‌های ما از مشروعیت برخوردار باشند، قدرت نرم ما ارتقاء خواهد یافت» (Nye, 2005: 35). قدرت نرم توانایی دستیابی دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد به اهدافی معین از طریق متقاعد کردن دیگران - و نه تشویق و یا تهدید آنان - به انجام کاری و یا بازداشتن آنان از کاری می‌باشد که برخلاف میل اولیه آنان است (امام‌زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴). یک رابطه دوسویه میان دیپلماسی عمومی و قدرت

نرم وجود دارد، به طوری که دیپلماسی عمومی یکی از منابع قدرت نرم به شمار می‌رود که «هدف آن جذب قلوب و افکار مردم در کشورهای دیگر و رهبران است و نه لزوماً دولتمردان و سیاستمداران آن‌ها» (شیلر، ۱۳۷۷: ۱۰).

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی که یکی از محورهای اصلی دیپلماسی عمومی قلمداد می‌شود، عبارت است از: «هنر ارائه عقاید و ارزش‌های یک ملت به بهترین نحو ممکن». اهمیت دیپلماسی فرهنگی در پی گذر از جنگ سرد و جهان دوقطبی و ورود به جهان عدم قطعیت‌ها و جهان چندقطبی زیادت‌ر شده است. به گونه‌ای که در حال حاضر فرهنگ، مذهب و عوامل نژادی در رابطه با ارائه تعریف احساس انسان‌ها از خود و جامعه نقش مهم و بی‌بدیلی را ایفاء می‌کنند (Bound&others,2007:17). هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه، فرهنگ و ارزش‌های رفتاری یک نظام به روشی موجه در قالب دیدگاه، فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل؛ شامل دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و غیردولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۳). درک دیپلماسی فرهنگی به یک کشور امکان می‌دهد تا فرهنگ، جامعه و مردم خود را به دیگران معرفی کند و همچنین از طریق فزونی بخشیدن به ارتباطات خصوصی بین مردم کشورهای گوناگون، کشورها را قادر می‌سازد که ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌هایشان را در انظار افکار عمومی جذاب سازند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۹).

تکوین دیپلماسی عمومی به مثابه یک مفهوم

«دیپلماسی عمومی» یک واژه نسبتاً جدید است. با این همه اگرچه کشورها و دولت‌ها در گذشته از این تعبیر استفاده نمی‌کردند اما تقریباً در همه ادوار به کار دیپلماسی عمومی می‌پرداختند. تیلر می‌گوید: اگرچه دیپلماسی عمومی صرف نظر از

اینکه این نام را داشته باشد یا نداشته باشد چیز جدیدی نیست، در عوض تمرکز بر آن و بحث پیرامون آن رشد بسیار زیادی داشته است. در واقع همان تکنیک‌های روابط عمومی که سیاستمداران، شرکت‌ها و گروه‌های مدافع موضوعات مختلف از جمله محیط زیست و ... مورد استفاده قرار می‌دهند تا بر رویکردها و تصورات افکار عمومی داخلی تأثیر بگذارند، توسط دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت تا بر افکار عمومی در کشورهای دیگر تأثیر بگذارند (تیلر، ۱۳۸۷: ۶۰). واژه دیپلماسی عمومی اگرچه از سال ۱۹۶۵ کم‌وبیش در محافل آکادمیک مورد اشاره قرار می‌گرفت اما هنوز به ادبیات فراگیری در حوزه دیپلماسی وارد نشده بود. به‌رغم استفاده فزاینده از این اصطلاح، کاربرد واژه دیپلماسی عمومی در سطح بین‌الملل تا پس از پایان جنگ سرد پیشرفت چندانی نکرد. در این زمان بود که چالش‌هایی از قبیل پخش لحظه به لحظه اخبار در صفحات تلویزیون، ظهور اینترنت و نقش آشکار عقاید در تغییرات سیاسی که سرتاسر اروپای شرقی را درمی‌نوردید، بازیگران کلیدی غربی را متقاعد کرد که تصویرسازی از کشور خود در اذهان جهانیان و اطلاع‌رسانی معنای جدیدی را در روابط بین‌الملل پیدا کرده است و لذا سازمان‌های بسیاری در جهان، تعبیر دیپلماسی عمومی را برگزیدند (کال، ۱۳۸۷: ۱۹). در سال ۱۹۹۲ سیگنیتزر^۱ و کومبز^۲ بین دو نوع دیپلماسی عمومی فرق قائل شدند؛ مکتب به اصطلاح «سخت‌گیرانه»^۳ که معتقد است «هدف دیپلماسی عمومی اعمال نفوذ بر رویکردهای مخاطبین با استفاده از روش‌های اقناعی و تبلیغاتی است» و مکتب «سهل‌گیرانه»^۴ که معتقد است «برنامه‌های اطلاع‌رسانی و فرهنگی باید فراتر از اهداف سیاست خارجی باشند و بر بالاترین اهداف بلندمدت ملی تمرکز نمایند، هدف ایجاد جوی از درک متقابل است» (شو، ۱۳۸۷: ۱۰۹). در طول ده سال گذشته بسیاری از کشورهای جهان اصطلاح دیپلماسی عمومی را اقتباس کرده و آن را وارد ساختار سازمانی وزارت

-
1. Signitz
 2. Coombs.
 3. Tough-minded.
 4. Tender-minded.

امور خارجه خود نمودند که از آن جمله می توان به کشورهای بریتانیا، کانادا، آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، هند، ژاپن و... اشاره کرد (رابرتس، ۱۳۸۶: ۲۸).

ورود مفهوم دیپلماسی عمومی به حوزه سیاست خارجی کشورها، نظریه پردازی پیرامون این موضوع را سرعت بخشید، ضمن اینکه به لحاظ عملی و ایجاد روبه های عینی، زمینه تحول در کارکرد سیاست خارجی و روابط بین الملل را نیز فراهم آورد.

مفهوم دیپلماسی عمومی موجب بروز یک سلسله تأثیرات مهم و درخور توجه در سطوح مختلف روابط دولت ها و ملت ها شد که از آن جمله می توان به افزایش آشنایی مردم با یک کشور (به روزرسانی تصویر خود، تغییر دیدگاه ها و نظرات نامطلوب)، افزایش درک مردم از یک کشور (ایجاد برداشت مثبت، واداشتن دیگران به دیدن اهمیت مسائل جهانی از همان چشم اندازی که ما می بینیم)، برقراری ارتباط بین مردم و یک کشور (از اصلاح آموزش و پرورش تا همکاری های علمی و جلب توجه ملت ها به خود به عنوان مقصد جذابی برای گردشگری، مطالعه، خرید محصولات و رسیدن به درک و اشتراک در ارزش هایی که ما به آن ها اعتقاد داریم)، تأثیرگذاری بر مردم (در رابطه با سرمایه گذاری، حمایت مردم از مواضع و سیاستمدارانی که ما را شریک مورد علاقه خود تلقی می کنند) اشاره داشت (Leonard, 2002: 9-10).

مدل شکل (۱) بیانگر نحوه کارکرد دیپلماسی در دو شکل سنتی و عمومی و حاکی از آن است که رویکرد اصلی دیپلماسی سنتی دولت - دولت است و در رابطه با مسائل عمومی نیز دیپلماسی در رابطه با جامعه خود و بازیگران غیردولتی به کار گرفته می شود. این در حالی است که در دیپلماسی عمومی، دو نوع ارتباط شامل ارتباطات یک دولت با بازیگران غیردولتی کشور دیگر و نیز ارتباط میان بازیگران غیردولتی دو کشور شکل می گیرد.

گذر از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی نوین (دیپلماسی عمومی)

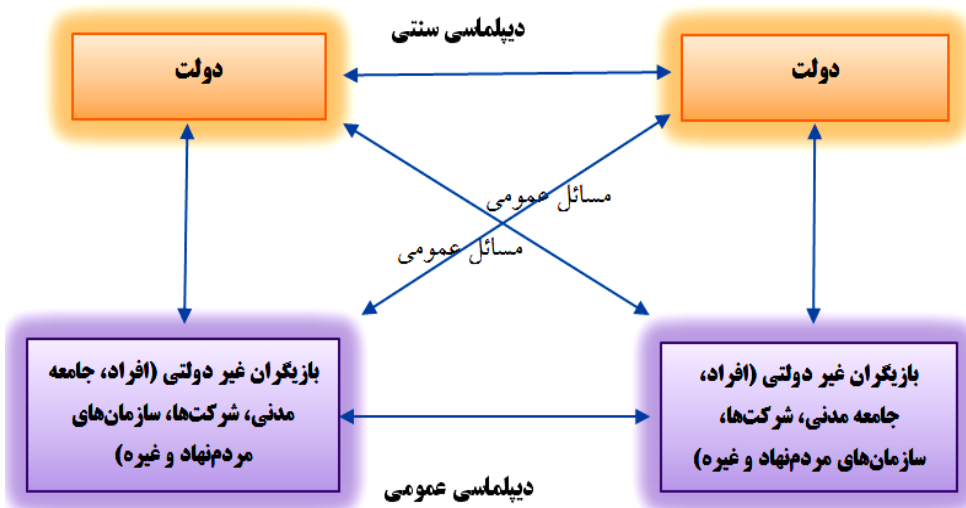
در پی خاتمه دوران جنگ سرد، بسیاری از دانشمندان حوزه مطالعات علوم سیاسی و روابط بین الملل، ماهیت دیپلماسی نوین را معطوف به دو مفهوم جداگانه اقتصادی و

سیاسی می‌دانستند. در این میان می‌توان به بالدوین^۱، کولیر^۲، لگویی^۳، فیلوکس^۴ و گیلپین^۵ اشاره داشت که قائل به ماهیت دیپلماسی مدرن از منظر اقتصادی بودند. ضمن اینکه افرادی دیگری مانند ابان^۶، بایلیس^۷، پانتام^۸، نای^۹ و کیسینجر^{۱۰} دیپلماسی نوین را حاوی ماهیتی سیاسی - دیپلماتیک قلمداد می‌کردند؛ به عبارت دیگر این افراد برای دیپلماسی مدرن یک چشم‌انداز سیاسی و یک چشم‌انداز اقتصادی متصور بودند (Trunkos 2011:1)؛ اما با توجه به تحولات نظام بین‌الملل، تحول در مفهوم دیپلماسی از این هم فراتر رفته و معنی گسترده‌تری را به خود گرفت. دیپلماسی اغلب با مدیریت مناسبات بین دولت‌ها و روابط دولت‌ها با سایر بازیگران سروکار دارد؛ اما در جهان معاصر دیپلماسی از مفهوم نسبتاً محدودی که زمانی بر اساس آن عمل می‌شد فراتر رفته و نمی‌توان با قائل شدن معنایی محدود، آن را تنها متعلق به دیپلمات‌ها و وزرای امور خارجه دانست و چه بسا طیف وسیع دیگری از ساختارهای اداری و فکری به اجرای دیپلماسی پردازند. امروزه وزارتخانه‌های متعددی درگیر دیپلماسی شده‌اند، به گونه‌ای که حتی از تأثیر و نقش وزیر امور خارجه کاسته شده و درگیری رهبران دولت‌ها در جزئیات دیپلماسی و سیاست خارجی بیشتر شده است، ضمن اینکه اهمیت رسانه‌های گروهی نیز افزایش یافته است (Barston, 1991:4).

یک از اهداف اصلی دیپلماسی، حفظ و حراست از منافع کشور خودی است. شک نیست مهم‌ترین و بنیادی‌ترین منفعی که هر کشور ناگزیر از حراست از آن است امنیت و استقلال آن می‌باشد. جدای از این، کسب منافع اقتصادی و فرهنگی در خارج، از اهداف

-
1. Baldwin
 2. Collier
 3. Leguey
 4. Feilleux
 5. Gilpin
 6. Eban
 7. Baylis
 8. Putnam
 9. Nye
 10. Kissinger

عمده‌ای است که از طریق دیپلماسی دنبال می‌شوند. دیپلماسی نوین رسالت‌هایی؛ نظیر اشاعه فرهنگ و آداب و سنن و روش زندگی کشور خودی را نیز شامل می‌شود. به این امید که شاید از طریق کسب حیثیت و اعتبار برای ارزش‌های ملی و شناساندن آن به خارجیان امکان درک و تفاهم متقابل بیشتر فراهم شود.



شکل ۱- نحوه کارکرد دیپلماسی در شیوه سنتی و عمومی

دیپلماسی عمومی پیامبر اعظم (ص):

عنوان دیپلماسی از ابتدای ظهور اسلام و شکل‌گیری نخستین حکومت اسلامی وجود داشته است و پیامبر اعظم (ص) برای تبلیغ رسالت خود در عربستان و سایر نقاط از آن استفاده می‌کردند. در همین رابطه رسول گرامی اسلام (ص) قائل به دیپلماسی مردمی در کنار دیپلماسی رسمی بوده و سیره حکومتی سیاست خارجی ایشان دلالت بر توجه به اشکال مختلف روابط با مردم در چارچوب ایجاد جذب و تسخیر قلوب دارد. دعوت انبیای الهی از جمله پیامبر اکرم (ص) یکی از مهم‌ترین و احتمالاً هدف اصلی ارسال رسول محسوب می‌گشت. آیات متعدد قرآن کریم پیامبران را دعوت‌کنندگان دینی معرفی

می‌کند. بر این اساس نخستین وظیفه پیامبر و رهبران دینی همانا دعوت بشر به تعالیم و ارزش‌های حیاتی است (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۸). در قرآن کریم از رسالت پیامبر اکرم (ص) با عنوان «داعی الی الله» یاد شده است و در موارد متعددی یادآور می‌شود که وظیفه آن حضرت تنها رساندن پیام الهی به انسان‌هاست و امر هدایت به عهده خداوند است. خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اعظم (ص) امر می‌فرماید: مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان و با آنان به نیکوترین شیوه مجادله کن. بی‌تردید پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر است و هدایت یافتگان را نیز بهتر می‌شناسد (قرآن کریم، نحل: ۱۲۵).^۱

مهم‌ترین هدف پیامبر (ص) از زمان آغاز رسالت، دعوت ملت‌ها، اقوام و قبایل دیگر به اسلام و توسعه قلمرو نفوذ اسلام در بین ملت‌ها و جوامع مختلف بود. بدین منظور، پیامبر (ص) در کنار استفاده از دیپلماسی سنتی از دیپلماسی عمومی و روش‌های متنوع آن (سیاسی، فرهنگی - تبلیغاتی، اقتصادی و بشردوستانه) بهره گرفته و بدین‌وسیله موفق گردید با مردم و افکار عمومی ارتباط برقرار کند و ضمن دعوت آن‌ها به اسلام و گسترش صلح و دوستی میان اقوام و ملت‌های مختلف، زمینه‌های گسترش و تحکیم تمدن اسلامی را در بخش اعظم دنیای آن زمان فراهم سازد (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶).

شیوه پیامبر (ص) در دعوت و اعزام مبلغ، مربی، سفرا، هیئت‌های نمایندگی، ارسال پیام به سران دولت‌های بزرگ و کوچک، تشکیل کنگره‌های بحث آزاد و برخورد منطقی با مخالفین، نشانه‌هایی از دیپلماسی فعال پیامبر اکرم (ص) است. در میان روش‌های دیپلماسی پیامبر گرامی اسلام (ص)، مسئله مذاکره با نمایندگان مخالفین و دولت‌ها و قبایل و گروه‌های مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردار بود؛ زیرا این شیوه بهترین وسیله برای اطلاع از نقطه‌نظرات دیگران است و خود نشانگر احترام به عقیده و فکر مخالفین می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۱۹۱).

۱. ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.

بر این اساس، رسول گرامی اسلام^(ص) هرگز انسان‌ها را مجبور به پذیرش دین نمی‌کرد. بلکه دین را با شیوه‌ای حکیمانه و با روش‌هایی که در نفوس انسان‌ها مؤثر واقع می‌شد و با اسلوب‌های بدیع و جذاب عرضه کرده و آن‌ها را در این باره به تدبیر و تفکر دعوت می‌نمود. پیامبر^(ص) هیچ‌گاه برای تحمیل عقیده بر مردم متوسل به جنگ و خشونت نشد و تمام جنگ‌های آن حضرت تنها برای دفع شر دشمنان و فتنه‌انگیزی آن‌ها بود. از بین اصولی که بر روابط خارجی پیامبر حاکم بود و مبتنی بر دیپلماسی مردمی بود، اصل دعوت بیشتر از همه جلب توجه می‌کند.

روش‌های دیپلماسی عمومی پیامبر اعظم^(ص)

شیوه پیامبر اعظم^(ص) در استراتژی و رفتار سیاسی مبتنی بر اصل دعوت و مشتمل بر دو اصل بوده است. تقدم دعوت بر جنگ: در دیپلماسی پیامبر اعظم^(ص) اولویت اول دعوت به اسلام بوده است. اصولاً رفتار سیاسی پیامبر اعظم^(ص) در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر دعوت بوده است. انعطاف: یک از شیوه‌های رایج در دیپلماسی پیامبر اعظم^(ص) دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و حتی یکی از علل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اعظم^(ص) در دل دیگران، رفتار سیاسی منصفانه آن بزرگوار بوده است. استفاده از نقاط مشترک از دیگر راهبردهای پیامبر اکرم ذکر شده و در رابطه با دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم^(ص) نمود چشمگیری داشته است. این امر از نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌های دیگر جهت ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره، توافقات اصولی با آنان و کشاندن آنان به پای میز مذاکره صلح‌آمیز به خوبی مشهود است (منتظری، ۱۳۸۸: ۷). اخوان کاظمی مهم‌ترین روش‌هایی که در دیپلماسی عمومی پیامبر اکرم^(ص) مورد استفاده قرار گرفته‌اند را شامل؛ روش سیاسی (مذاکره با مردم، نخبگان و نمایندگان)، روش فرهنگی - تبلیغاتی (اعزام مبلغان)، روش حقوقی (انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای سیاسی)، روش اقتصادی (تألیف قلوب) و روش بشردوستانه (عتق و فک رقبه) ذکر کرده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲). اعزام مبلغ

به سرزمین‌های مختلف، دعوت و ارسال پیام به رؤسای قبایل و دولت‌ها از دیگر شیوه‌های مرسوم دیپلماسی پیامبر اکرم (ص) به شمار می‌رود. دعوت‌های پیامبر اکرم (ص) اشکال مختلفی داشت است از جمله تماس مستقیم با هیئت‌هایی که به حج می‌آمدند، هجرت مسلمانان، اعزام شخصیت‌های برجسته مسلمان به مناطق مختلف^۱ و اعزام هیئت‌های تبلیغی به یمن، نجد و رجبیع. در کنار اعزام مبلغان، پیامبر اکرم (ص) به ارسال پیام‌ها و نامه‌ها به سران قبایل و دولت‌های دیگر نیز می‌پرداخت (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

در مجموع اگرچه به نظر می‌رسد که دیپلماسی عمومی مفهومی نسبتاً جدید است و سابقه طولانی از ادبیات آن در حوزه روابط بین‌الملل در دست نیست، اما با توجه به شیوه‌هایی که پیامبر گرامی اسلام (ص) در ابلاغ دعوت الهی و نشر اسلام در بین ملت‌ها، قبایل و گروه‌های انسانی از آن‌ها بهره‌برداری می‌کرد، می‌توان تصریح داشت که دیپلماسی عمومی در اسلام از سابقه‌ای بس طولانی برخوردار بوده و اساساً اسلام ارتباط با ملت‌ها و افکار عمومی را در رأس سیاست خارجی خود قرار داده و در مقایسه با دیپلماسی سنتی، تقدم و اولویت زیادی برای روابط مردمی قائل شده است.

رویکرد قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی

عمومی

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی در یک کشور می‌باشد. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی کشور مغایرت داشته باشد. قانون اساسی اصول حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. در این میان می‌توان به اعزام معاذ بن جبل و علی (ع) هر دو به یمن، مالک بن مراره، عبدالله مهاجر بن ابی امیه، اقرع بن عبدالله حمیر، ابوموسی اشعری، عبدالله بن زید، مالک بن عباده، عقبه بن زیاد و خالد بن ولید به مناطق دیگر اشاره داشت.

معتبرترین سند و منبع سیاست خارجی است و در آن بندهایی صریح و روشن در باب روابط خارجی کشور از دو بعد رسمی و مردمی بیان شده است. طاهایی بر این باور است که این بندها به طور کلی از دو ویژگی آرمانی و دستوری برخوردارند و به عبارت دیگر دو ویژگی آینده‌گرایانه و اخلاقی دارند (طاهایی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). خلیلی نیز معتقد است اصول روابط خارجی انقلاب اسلامی که در قانون اساسی بازتاب پیدا کرده‌اند، برآمده از انقلاب اسلامی و از منظر خبرگان مؤسس قانون اساسی چهار ویژگی داشته‌اند که عبارت‌اند از: جهان‌وطنانه، امت‌گرایانه، واکنش‌گرایانه و انقلابی‌گرا (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

اساساً اصول مندرج در قانون اساسی بر مبنای و پایه‌های بنیادین یک اندیشه سیاسی شکل می‌گیرد و سیاست‌های اجرایی و خرد از آن نشأت می‌گیرد. با توجه به ماهیت سیال و دگرگونی در حوزه سیاست خارجی، تعیین خط‌مشی‌های اساسی بر پایه آموزه‌های اسلامی و آرمان‌های انقلابی جهت جلوگیری از انحراف و ادامه مسیر صحیح سیاست خارج و مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، امری درخور توجه به شمار می‌رود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مقدمه در اصول متعددی از جمله اصول ۲، ۳، ۴۳، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳ و ۱۵۲ خط‌مشی‌های اساسی و کلان دیپلماسی کشور مشخص شده است.

جهان‌شمولی دیپلماسی عمومی در قانون اساسی

یکی از ابعاد مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تنظیم دیپلماسی و ارتباطات بین‌المللی کشور با جهان خارج تأکید بر موقعیت جهان‌شمولی انقلاب اسلامی است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ماهیت حکومت از دیدگاه اسلام مورد اشاره قرار گرفته و هدف نهایی حرکت به سوی الله، بیان حرکت به سوی ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی ذکر شده است.

در مقدمه قانون اساسی همچنین تأکید شده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنا بر محتوای انقلاب که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفان بر مستکبران بود،

می‌بایست زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم کند و به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی بکوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد و استمرار مبارزه در نجات ملت‌های محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۶: ۷۰). به‌سادگی قابل درک است نگاه مقدمه قانون اساسی بر ابعاد جهانی اسلام متمرکز است. حرکت به‌سوی الله و تشکیل امت واحد اسلامی و نجات ملت‌های محروم و پیروزی مستضعفان بر مستکبران از جمله آرزوها و آمال و اهدافی است که در قسمت‌هایی از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان‌ها اشاره شده است (ایزدی، ۱۳۷۷: ۱۰۶). مقدمه قانون اساسی تصریح و تأکید می‌کند که وسایل ارتباط جمعی نیز می‌بایست در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرند و در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۱).

حمایت‌های انسانی در سطح بین‌المللی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سعادت و خوشبختی همه افراد بشر را آرمان خود دانسته و خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها می‌داند.^۱ مسلمانان نمی‌توانند نسبت به سعادت و خوشبختی و حقوق انسان‌های دیگر بی‌تفاوت باشند، زیرا انسان‌دوستی و حمایت از اصول و ارزش‌های انسانی و تلاش در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های مشترک بشری و بالاخره حمایت از عدالت، آزادی، استقلال، صلح و امنیت، از آموزه‌های روشن و بدیهی اسلام است (1383.khamenei.ir). امام خمینی^(ره) نیز تأکید می‌نمایند که مقصد اسلام عرضه عدالت برای همه عالم نه تنها برای ایران یا حتی جهان اسلام است. «اسلام خاص یک مملکت، چند مملکت یک گروه یا حتی مسلمین نیست، اسلام برای بشر آمده است. اسلام به بشر خطاب می‌کند و تنها برحسب مورد، مؤمنین را

مخاطب قرار می‌دهد. اسلام می‌خواهد همه بشر را زیر چتر عدالت خود بیاورد». پرفسور رضوانی معتقد است که توجه به «انسان» به وضوح در قانون اساسی ایران منعکس شده است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۶۳). ایزدی می‌گوید آنچه که از این اصول بیش از سایر مفاهیم قابل استفاده و استنباط است ماهیت و جوهره فراملی اسلام وطنی و آرمان‌های تبیین‌شده در آن است که سعادت انسان در کل جامعه بشری را به‌عنوان هدفی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در کل نظام جمهوری اسلامی تعیین کرده است (ایزدی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

دفاع از مسلمانان و مستضعفین جهان

پس از رویکرد توجه به جامعه بشری، موضوع دفاع از مسلمانان جهان سطح دوم مورد توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در بند ۱۶ اصل سوم گفته شده است، تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان صورت خواهد پذیرفت. حمایت از حقوق همه انسان‌ها به‌خصوص مظلومان، محرومان و مستضعفان از دیدگاه اسلام وظیفه اساسی برای همه مسلمانان است. در همین چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۵۴ و بر مبنای رویکرد انسانی در عین خودداری از دخالت در امور داخلی، از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفین علیه مستکبران حمایت می‌کند و آن را به رسمیت می‌شناسد و در مجموع دو اصل ۱۵۲ و ۱۵۴ رویکرد ارزش‌گرایانه و آرمانی حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران (اصل ۱۵۴، بند ۲)، تعهد برادرانه در برابر همه مسلمانان (اصل ۳ بند ۱۶)، دفاع از حقوق مسلمانان جهان (اصل ۱۵۲) و وحدت و ائتلاف ملل اسلامی (اصل ۱۱) که ناظر بر دیپلماسی مردمی جمهوری اسلامی ایران است در قانون اساسی متجلی شده است.

علاوه بر روح استکبارستیزی که در اصول قانون اساسی دیده می‌شود، در مقدمه آن همچنین نقش ویژه‌ای را برای مراودات بین‌المللی و ارتباط با جنبش‌های اسلامی و مردمی به‌منظور شکل‌گیری امت واحد جهانی قائل شده است و بر استمرار مبارزه برای

نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان تأکید می‌ورزد. خلاصه سخن این است اگر صلح و امنیت بین‌المللی، اصلی ضروری در زندگی مشترک ملت‌ها به شمار می‌رود، باید عوامل زمینه‌ساز صلح و امنیت از طرف همه ملت‌ها مورد حمایت قرار گیرد و اگر به اسارت کشیدن ملت‌ها و ستم بر آن‌ها، صلح و امنیت را به مخاطره می‌افکند، باید همه ملت‌ها در ریشه‌کن نمودن سلطه و ستم همیاری نمایند (1383. khamenei.ir).

قاعده نفی سبیل در مناسبات خارجی

یکی از اصول مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به‌عنوان سنگ بنا در مناسبات خارجی کشور قلمداد می‌شود، موضوع نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی می‌گوید: سیاست خارجی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری استوار است. اصل مذکور بر مبنای آیه ۱۴۱ سوره نساء که یک قاعده فقهی موسوم به نفی سبیل را وضع کرده است و برگرفته از احکام اسلام است، می‌باشد. بر اساس این آیه خداوند هرگز برای کافران بر اهل ایمان راه تسلط را باز نگذاشته است^۱ (قرآن کریم، نساء: ۱۴۱). این آیه آشکارا و بدون نیاز به هیچ‌گونه تأویلی، تصریح دارد که سلطه کافران بر مؤمنان به‌هیچ‌وجه پذیرفته نیست و بر عدم پذیرش هرگونه سلطه اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بر جامعه اسلامی تأکید دارد. البته اصل ۱۵۴ قانون اساسی استنادات دیگری نیز دارد که از آن جمله می‌توان به آیات زیر اشاره داشت: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان همراز نگیرید. آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند... (قرآن کریم، آل عمران: ۱۱۸)^۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید^۳ (قرآن کریم، ممتحنه: ۱). افراد باایمان

۱. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْيَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ».

نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (قرآن کریم، آل عمران: ۲۸)^۱ و آیه ۱۴۹ سوره آل عمران که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید شما را به عقب بازمی‌گردانند (قرآن کریم، آل عمران: ۱۴۹)^۲. در مجموع اصل ۱۵۴ قانون اساسی ضمن تجویز برقراری روابط با جهان به‌طور مشخص تأکید دارد، ارتباط با جهان خارج نباید منجر به سلطه‌پذیری و یا پیوند قلبی با کفار شود. نفی سلطه تنها شامل ساحت سیاست نمی‌شود بلکه همه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اجتماعی سیاسی، رسانه‌ای و... را در برمی‌گیرد.

وحدت ملل اسلامی

یکی از موضوعات مهمی که در قانون اساسی به آن اشاره شده است، اتحاد ملل اسلامی است. در ادبیات سیاسی امت یا امت النبوی، واحد اجتماعی اصلی و اصیل و بزرگ‌ترین واحد اجتماعی مسلمین است و برخلاف ملت که در چارچوب مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شود، از محدودیت سرزمینی خارج می‌شود و تا مرزهای عقیدتی و ایمانی امتداد می‌یابد؛ بنابراین امت را جامعه معتقدان شکل می‌دهد و نه مجمع شهروندان (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲۲۲). قرآن کریم مسلمانان را امت واحده معرفی می‌کند. در اصل یازدهم قانون اساسی به حکم آیه کریمه چنین آمده است: همه مسلمانان یک امت‌اند (قرآن کریم، انبیاء: ۹۲)^۳ و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. این اصل قانون اساسی

۱. «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُخَذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ».

۳. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون».

استنادات قرآنی متعددی دارد و علاوه بر آیه ۹۲ سوره انبیاء، آیه «و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا و اذکروا نعمه الله علیکم إذ کتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا»^۱ و یا آیه «إنما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخویکم»^۲ را می‌توان به‌عنوان دلالت‌های قوی برای وحدت و تعاون اسلامی مورد اشاره قرار داد.

قوانین بالادستی در حوزه دیپلماسی عمومی

قوانین بالادستی یکی از منابع اصلی تعیین چارچوب‌ها و سیاست‌های کلان نظام به شمار می‌روند که عموماً منشأ تنظیم مقررات عادی و تنظیم سیاست‌های جاری میان‌مدت و بلندمدت کشور قلمداد می‌شوند. پس از قانون اساسی، مهم‌ترین اسناد بالادستی مشتمل بر سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که در هر یک از این اسناد، فرازهایی به موضوع دیپلماسی عمومی اختصاص یافته و جنبه‌های مختلف سیاست‌گذاری و رویکرد دستگاه‌های اجرایی کشور مشخص شده‌اند.

سیاست‌های کلی دیپلماسی عمومی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله

سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین اسناد برای ارتقاء جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوره زمانی بلندمدت تلقی می‌شود. کلیت مفاد سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، معطوف به ارتقاء جایگاه کشور در منطقه و نظام بین‌الملل در یک بازه زمانی بیست‌ساله است. ترسیم سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ عبارت است از: «جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی،

۱. قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. قرآن کریم، حجرات، آیه ۱۰.

ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل دست خواهد یافت و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت خواهد بود». سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی در مورد جایگاه مطلوب جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام در بیست سال آینده، از مفهوم الهام‌بخشی بهره گرفته است. تأملی در این عبارت نشان می‌دهد واضعان آن نیم‌نگاهی به قدرت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام داشته و آن را معادل یا جایگزین مناسبی برای عبارت صدور انقلاب اسلامی با توجه به شرایط منطقه و نظام بین‌الملل در دو دهه گذشته دانسته‌اند. الهام‌بخشی، ظرفیت به مراتب بیشتری در قیاس با قدرت نرم برای رساندن پیام اسلام و جمهوری اسلامی ایران دارد. الهام‌بخشی به جای مغزها اغلب متوجه قلب‌هاست و با قلب‌ها سخن می‌گوید (موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

بند ۲۸ سند چشم‌انداز به موضوع روابط خارجی جمهوری اسلامی پرداخته است. موضوع مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، افزون‌خواهی، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، به‌ویژه ملت فلسطین و تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی به‌عنوان دیگر اهداف ایران در سال ۱۴۰۱۴ اشاره دارد. همچنین تقویت هویت اسلامی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی میان آنان، حمایت از حقوق و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی از دیگر نکاتی است که در امور سیاسی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز به آن اشاره شده است (اخوان‌کاشمی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۱)؛ اما موضوع تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی در بند ۳۲ سند چشم‌انداز بیان شده است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۳: ۲). این بند ناظر بر رویکرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با مجامع و نهادهای فرهنگی جهانی و بین‌المللی است و تقویت و تسهیل حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های بین‌المللی را مورد توجه قرار داده است.

سند چشم‌انداز با هدف ارتقاء جایگاه و تحقق اهداف و اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران سه سطح را مورد توجه قرار داده است: الف) منطقه آسیای غربی، آسیای

مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه؛ ب) مسلمانان جهان و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی؛ ج) دولت‌ها و ملت‌های ناراضی از سلطه ابرقدرت‌های جهانی و نظام ناعادلانه موجود در کل نظام بین‌الملل.

بند هشت سند چشم‌انداز، گسترش فعالیت رسانه ملی در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهانیان و ارائه تصویری واقعی و جذاب از کشور به سایر ملت‌ها و دولت‌ها را از طریق ابزار رسانه‌ای بیان کرده است.

قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به علت شرایط خاص کشور در ابتدای انقلاب و در شرایطی که کشور درگیر یک جنگ تحمیلی بود؛ عملاً امکان تدوین برنامه‌های پنج‌ساله فراهم نشد. اولین برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۸ تدوین شد و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ولی از آنجایی که این برنامه تحت تأثیر خسارات سنگین جنگ و لزوم بازسازی فوری کشور قرار داشت، توسعه و سازندگی اقتصادی، وجه غالب در این برنامه را به خود اختصاص داده بود و پیرامون موضوعات مرتبط با دیپلماسی عمومی کشور اشاره چندانی صورت نگرفت.

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) نخستین برنامه توسعه‌ای کشور است که طی آن یک سرفصل ویژه برای تدوین رویکردهای دیپلماسی رسمی و مردمی جمهوری اسلامی ایران در آن تبیین و مصوب می‌شود. بر اساس تبصره ۵۷ برنامه توسعه دوم به‌منظور ایفای نقش فعال جمهوری اسلامی ایران در مجامع فرهنگی جهان، پیش‌بینی اعتبارات جهت اهداف ذیل صورت می‌پذیرد: «احیاء و توسعه کرسی‌های اسلام‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی»، «تقویت کتابخانه‌های معتبر دنیا در زمینه کتب مربوطه»، «گسترش برنامه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های ایرانی خارج از کشور»، «ارتباط با مراکز دینی، علمی و فرهنگی خارج از کشور»، «تبادل نظر و

گفتگو با علماء و دانشمندان ادیان مختلف»، «گسترش مبادلات فرهنگی و حمایت از فعالیت‌های بخش غیردولتی در عرضه محصولات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سراسر دنیا به ویژه کشورهای اسلامی و جهان سوم»، «گسترش روابط با خبرگزاری‌های مستقل و مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی و استفاده از کانال‌های ماهواره‌ای جهت پوشش مخاطبان کشورهای دیگر»، «اعزام مبلغین»، «تلاش در جهت ایجاد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی اسلامی، گسترش و بهبود پوشش شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما»، «گسترش برنامه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های ایرانی و سایر مخاطبین خارج از کشور» و «گسترش ترجمه قرآن کریم و متون معتبر اسلامی به زبان‌های زنده دنیا» (مجموعه قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷: ۸۷).

در مقایسه با برنامه دوم توسعه، مفاد برنامه سوم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۸۴-۱۳۷۹) در بخش روابط خارجی نگاه محدودتری را به رویکردهای دیپلماسی عمومی معطوف داشته است. در فصل بیست و سوم قانون برنامه سوم که به امور عمومی سیاست‌های داخلی و روابط خارجی اختصاص دارد، دو موضوع «تلاش برای رهایی از حضور بیگانگان» و «حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم» مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به‌عنوان متولی پیگیری ارتباطات فرهنگی بین‌المللی در فاصله تدوین برنامه‌های دوم و سوم توسعه، تبصره ۱ ماده ۱۸۳ برنامه توسعه سوم به تبیین وظایف این سازمان نوباً می‌پردازد. بر اساس این تبصره «اعمال سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران و تمرکز در سیاست‌گذاری و هماهنگی در فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خارج از کشور و با اهداف استفاده بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود و انجام امور کلیه فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی و هنری بخش‌های دولتی و غیردولتی در خارج از کشور بر اساس اساسنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است با سازمان مذکور خواهد بود» (برنامه سوم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

برنامه چهارم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) به فراخور رویکرد دولت وقت، توجه بیشتری به موضوع دیپلماسی عمومی و فرهنگی داشته است. در همین ارتباط ماده ۱۱۰ برنامه توسعه چهارم از منظر ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت‌ها در مناسبات بین‌المللی و تحقق گفتگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها یک سلسله اقدامات؛ شامل «حضور فعال در فرایندها، نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در باب گفت‌وگوی تمدن‌ها»، «فراهم ساختن شرایط لازم برای تبادل آرا و نظر متفکران، دانشمندان، هنرمندان و نهادهای علمی، فرهنگی و مدنی»، «معرفی جلوه‌های فرهنگی، هنری و ادبی ایران در سایر مناطق جهان»، «عقد موافقت‌نامه‌های فرهنگی منطقه‌ای، قاره‌ای و بین‌المللی»، «حمایت از تأسیس نهادهای غیردولتی، برای تحقق عملی گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، با رویکرد غیردولتی شدن این فعالیت‌ها» را برشمرده است (قانون برنامه چهارم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ۱۰۱). همچنین در تبصره دو نیز تبصره ماده ۱۱۳ همین قانون نیز «استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های فرهنگی در تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی»، «سیاست‌گذاری، هماهنگی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور» مورد اشاره قرار گرفته است. (قانون برنامه چهارم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

ماده ۱۲۷ قانون برنامه چهارم نیز دو وظیفه را در رابطه با ایرانیان خارج از کشور و کمک‌های توسعه‌ای برای وزارت امور خارجه مشخص نموده و اظهار می‌دارد که این وزارتخانه به‌منظور پیشبرد سیاست خارجی کشور و حفظ و توسعه منافع ملی اقداماتی؛ شامل الف) توسعه و تقویت زمینه‌های ارتباط و مراوده با ایرانیان مقیم خارج از کشور به‌منظور حفظ هویت ملی و اسلامی؛ ب) اعطای کمک‌های توسعه‌ای رسمی به کشورهای هدف به‌منظور ایجاد بازار برای کالاهای ایرانی را انجام خواهد داد. (قانون برنامه چهارم توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۶).

با توسعه اقدامات مرتبط با دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) در بندهای متعددی رویکردهای دیپلماسی عمومی کشور را برشمرده است. در ماده ۵ برنامه پنجم، برای نخستین بار لزوم تدوین «سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌الملل» مطرح شده است که طی آن می‌بایست «تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ غنی قرآن کریم، انقلاب اسلامی و اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، «شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به‌ویژه برای ایرانیان خارج از کشور»، «تأکید بر تقریب مذاهب اسلامی و تقویت گفت‌وگو و همگرایی بین پیروان ادیان و نخبگان علمی و فکری جهان»، «توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و صیانت از مفاخر معنوی» مدون شود (مجموعه قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۲۵). همچنین بند سوم تبصره (و) ماده ۱۶ قانون برنامه پنجم، رویکرد ارتباطات علمی-آموزشی بین‌المللی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دیپلماسی عمومی برشمرده و توسعه همکاری‌های علمی، آموزشی، دانشگاهی بین‌المللی و نیز تبادل استاد و دانشجو با تأکید بر کشورهای اسلامی را مورد تأکید قرار داده است (مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۳۴).

در ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجم، وزارت امور خارجه موظف شده است تا به‌منظور اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت‌های اقتصادی در منطقه و نظام بین‌الملل و بسط گفتمان عدالت‌خواهی در روابط بین‌الملل، سیاست‌هایی را برای اجرایی نمودن احکام؛ شامل «حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان به‌ویژه ملت مظلوم فلسطین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی»، «استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور»، «تقویت دیپلماسی اقتصادی»، «همگرایی با کشورهای منطقه و اسلامی به‌ویژه حوزه تمدن ایران اسلامی» و «توسعه و تعمیق دیپلماسی عدالت‌خواهانه در جهان» را به مراجع ذی‌ربط ارائه دهد (مجموعه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۲۰۵-۲۰۴).

برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) به‌عنوان آخرین برنامه توسعه‌ای کشور که هم‌اکنون در حال اجراست، در بخش هجدهم ماده ۱۰۵ آن به موضوعاتی نظیر «طراحی و اجرای اقدامات به‌منظور تحقق اصول قانون اساسی در بعد مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی و حمایت از جریان مقاومت و مستضعفین»، «تقویت دیپلماسی اقتصادی در کشورهای منطقه و کشورهای جنوب غربی آسیا به‌ویژه کشورهای همسایه و اسلامی»، «حمایت همه‌جانبه از حقوق ایرانیان خارج از کشور و جلب مشارکت آن‌ها در توسعه و پیشرفت کشور»، «بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و روش‌ها و ابزارهای نوین و کارآمد اطلاع‌رسانی در گستره فرامرزی برای تبیین دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گفتگمانی و معنایی»، «ارتقای جایگاه ایران در افکار عمومی جهان»، «اعطای کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای هدف»، «حمایت از جریان‌های تقریبی و وحدت‌آفرین در جهان اسلام به‌ویژه فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» و «مقابله با توطئه دشمنان در ایجاد تفرقه در جهان اسلام» مورد اشاره قرار گرفته است (روزنامه رسمی، ۱۳۹۶/۱/۲۱: ۳۰).

تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران

برای تحلیل داده‌های این تحقیق از تحلیل محتوا و تحلیل تفسیری و احصاء مضامین با هدف شناسایی رویکردها و سیاست‌های کلی در حوزه دیپلماسی عمومی استفاده شده است. به‌علاوه با عنایت به اینکه رویکردهای قانون اساسی به موضوع دیپلماسی عمومی محدود می‌باشند، استخراج ابعاد با استفاده از اسناد بالادستی صورت پذیرفته و سپس موارد فوق توسط خبرگی یکسان‌سازی و رویکردهای سند چشم‌انداز بیست‌ساله و قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه احصاء شده است. در استخراج محورها و رویکردهای قانون اساسی و اسناد بالادستی در زمینه دیپلماسی عمومی از روش تحلیل تفسیری و برای شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از نرم‌افزار مکس کیو دی آی به‌عنوان ابزار تحلیل کیفی استفاده شده که در ادامه نتایج آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در بررسی قوانین جمهوری اسلامی ایران سه گروه از قوانین مدنظر قرار گرفت. در ابتدا اصول قانون اساسی مرتبط با دیپلماسی عمومی به صورت تمام‌شمار بازبینی و به صورت تفسیری بررسی گردید. سپس سند چشم‌انداز بیست‌ساله مورد توجه واقع گردید و پس از آن مجموعه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بررسی شد. جدول (۱) بیانگر آن است که تعداد ۳۷ محور کلی در قانون اساسی و قوانین بالادستی به مقوله دیپلماسی عمومی و مفاهیم مرتبط با آن اشاره داشته‌اند. همچنین درصد فراوانی جهت‌گیری قانون اساسی و اسناد بالادستی نسبت به دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در ادامه نمایش داده شده است.

جدول (۱) یافته‌های حاصل از مندرجات قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران

پیرامون دیپلماسی عمومی

نشانه	مفاهیم کلیدی برآمده از تحلیل قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دیپلماسی عمومی	جهت‌گیری
PCA1	حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان (استکبارستیزی)	دکترین
PCB2	سعادت انسان در کل جامعه بشری	هدف‌گذاری
PCB3	ترویج و توسعه فرهنگ و ارزش‌های والای اسلام و ایران اسلامی (به‌ویژه در کشورهایی که با ج.ا.ایران مشترکات دارند)	سیاست‌گذاری
PCB4	حمایت و دفاع از مسلمانان و ملت‌های مظلوم به‌ویژه ملت فلسطین	دکترین
PCC5	ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی، تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران	سیاست‌گذاری
PCC6	تقویت حضور فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مجامع جهانی و سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی	سیاست‌گذاری
PCD7	مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در عرصه سیاست خارجی	دکترین
PCD8	تبیین حقایق اسلام و معرفی آیین نجات‌بخش اسلام	سیاست‌گذاری
PCD9	اجرای متمرکز سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور	سیاست‌گذاری

نشانه	مفاهیم کلیدی برآمده از تحلیل قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دیپلماسی عمومی	جهت گیری
PCD10	معرفی فرهنگ، هنر و تمدن ایرانی و مردم‌سالاری دینی	سیاست‌گذاری
PCD11	تحکیم مناسبات با جهان اسلام، ارتباطات با ملت‌ها و توده‌های مسلمان	هدف‌گذاری
PCD12	ترویج و توسعه زبان و ادبیات فارسی	سیاست‌گذاری
PCD13	وحدت ملل اسلامی	دکترین
PCD14	گسترش فعالیت رسانه‌های ملی جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهان	سیاست‌گذاری
PCD15	نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و رهایی از حضور بیگانگان	دکترین
PCE16	تقویت هویت اسلامی - ایرانی ایرانیان مقیم خارج؛ توسعه ارتباطات ایرانیان؛ تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی	سیاست‌گذاری
PCE17	ایجاد شبکه‌های رادیو تلویزیونی بین‌المللی اسلامی و بهبود پوشش شبکه‌های برون‌مرزی	سیاست‌گذاری
PCE18	اعطای کمک‌های توسعه‌ای رسمی به کشورهای هدف به‌منظور همبستگی اقتصادی و فرهنگی	سیاست‌گذاری
PCE19	تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی در سطح بین‌الملل	سیاست‌گذاری
PCE20	احیاء و توسعه کرسی‌های اسلام‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی	سیاست‌گذاری
PCE21	مقابله با توطئه دشمنان برای تفرقه در جهان اسلام	هدف‌گذاری
PCE22	ارتباط با مراکز دینی، علمی و فرهنگی خارج از کشور	سیاست‌گذاری
PCE23	تبادل نظر و گفتگوی علما و دانشمندان ادیان مختلف جهان	سیاست‌گذاری
PCE24	مردم‌سالاری دینی	دکترین
PCE25	گسترش تبادلات فرهنگی و عرصه محصولات فرهنگی ایران به جهانیان به‌ویژه کشورهای اسلامی و جهان سوم	سیاست‌گذاری
PCE26	گسترش روابط با خبرگزاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	سیاست‌گذاری
PCE27	بهره‌گیری از کانال‌های ماهواره‌ای جهت انتقال پیام انقلاب اسلامی	سیاست‌گذاری
PCE28	تقویت دیپلماسی اقتصادی (جهان، جنوب غربی آسیا به‌ویژه کشورهای همسایه و اسلامی)	سیاست‌گذاری
PCE29	همگرایی میان کشورهای اسلامی	هدف‌گذاری

نشانه	مفاهیم کلیدی برآمده از تحلیل قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دیپلماسی عمومی	جهت گیری
PCE30	ترویج فرهنگ صلح و مفاهمه و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها و در مناسبات بین المللی	سیاست گذاری
PCE31	گفتگو میان فرهنگ ها و تمدن ها	سیاست گذاری
PCE32	ارتباطات علمی، آموزشی و دانشگاهی بین المللی؛ تبادل استاد و دانشجو	سیاست گذاری
PCE33	بهره برداری از دیپلماسی عمومی و روش های نوین اطلاع رسانی در گستره فرامرزی	سیاست گذاری
PCE34	ارتقاء جایگاه ایران در افکار عمومی جهان	هدف گذاری
PCE35	حمایت از جریان های تقریبی و وحدت آفرین و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی	سیاست گذاری
PCE36	ترجمه قرآن کریم و متون معتبر اسلامی به زبان های زنده جهان	سیاست گذاری
PCE37	پیگیری دیپلماسی عدالت خواهانه در جهان	سیاست گذاری

جهت گیری قانون اساسی و اسناد بالادستی در حوزه دیپلماسی عمومی

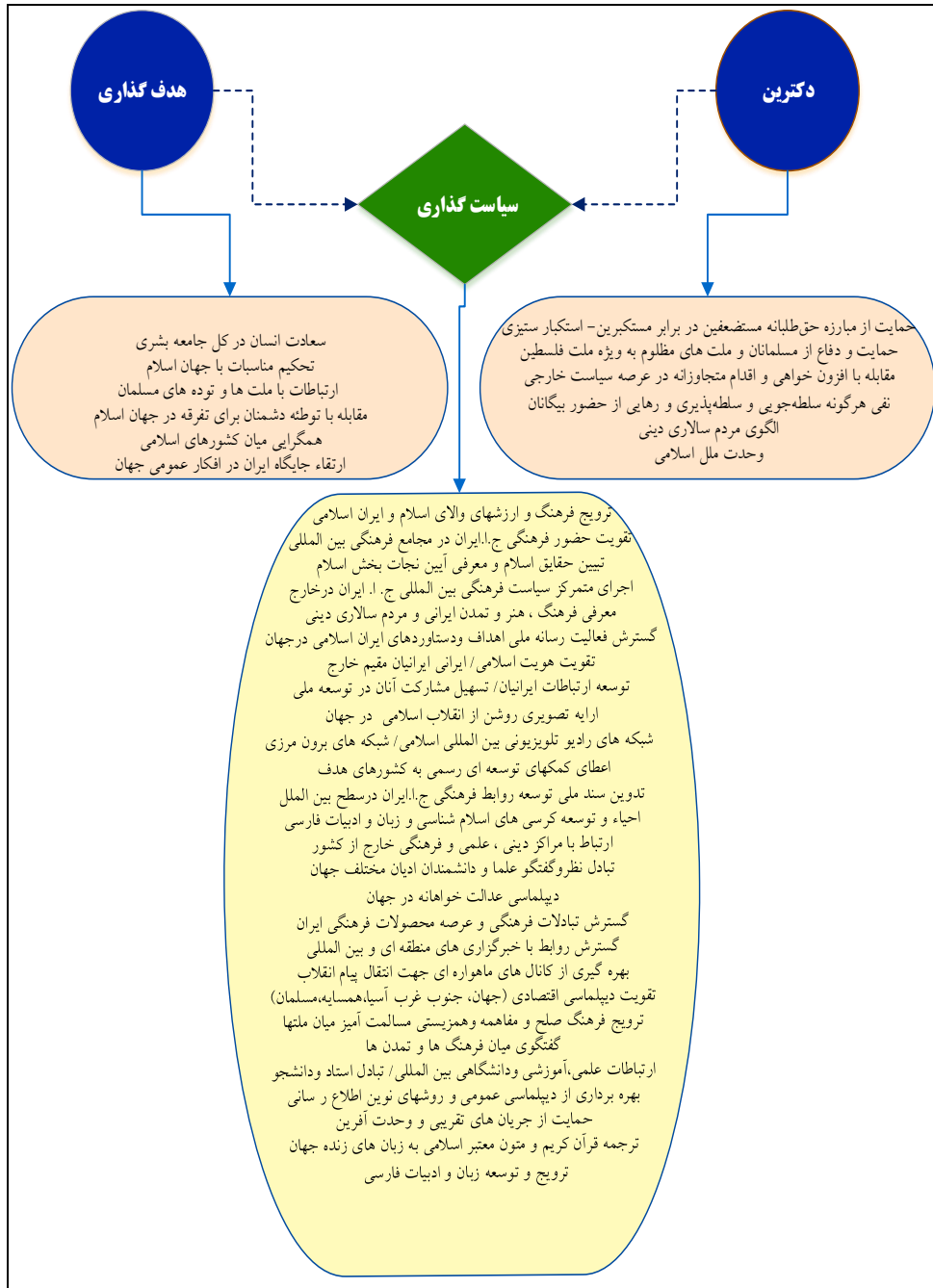
بر اساس یافته های حاصل از تحقیق، جهت گیری اسناد در سه زمینه دکترین، هدف گذاری و سیاست گذاری قابل احصاء می باشد. اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت و منشأ وضع آن ها در زمره دکترین دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به شمار می روند. در مجموع شش مورد دکترین، پنج مورد هدف گذاری و بیست و شش مورد سیاست گذاری مربوط به ترسیم سیاست گذاری در حوزه دیپلماسی عمومی از مجموعه قوانین احصاء شد که در شکل (۲) مدل آن ترسیم شده است. درصد فراوانی مفاهیم دیپلماسی عمومی در قانون اساسی و قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران حاکی است که قریب به ۷۰ درصد رویکرد قوانین معطوف به سیاست گذاری، ۱۶ درصد به دکترین و حدود ۱۴ درصد به اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی عمومی مربوط می شود (شکل ۳).

مبانی شکل‌گیری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و

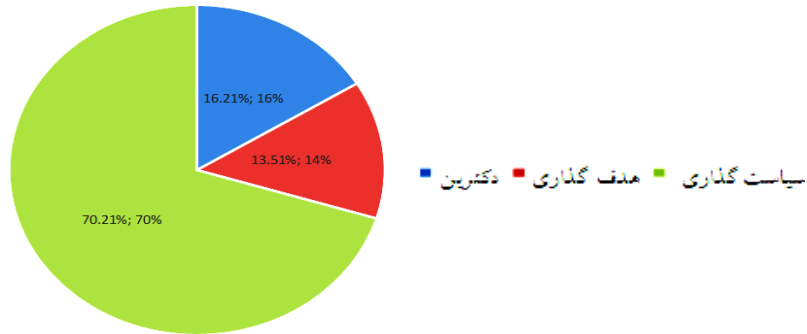
اسناد بالادستی

دیپلماسی دولت‌ها در برقراری روابط با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها ارتباط تنگاتنگ با منافع ملت و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه دارد. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و همه اصول و بندهای مندرج در قوانین که ناظر بر دیپلماسی عمومی کشور می‌باشند همگی برآمده از ارزش‌های اسلامی، انقلابی، فرهنگی و تمدنی می‌باشند.

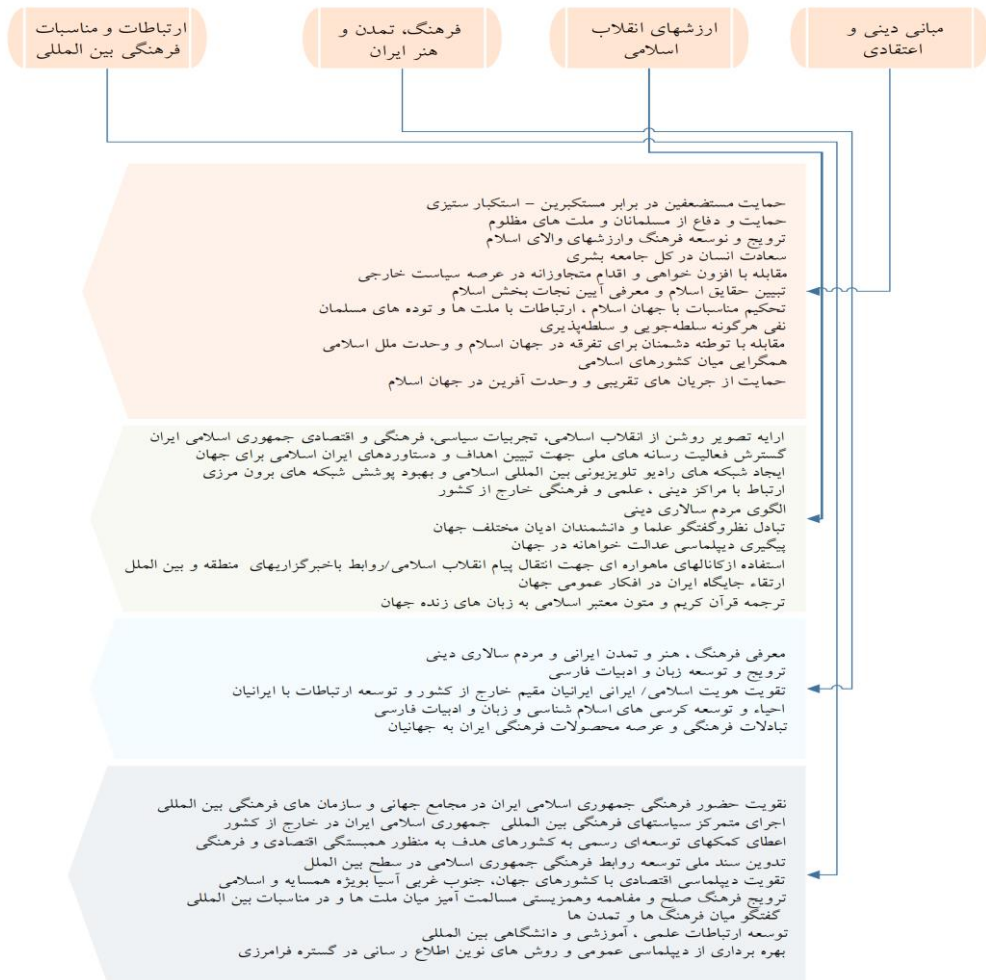
بنا بر یافته‌های تحقیق، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و قوانین برنامه پنج‌ساله بر مبنای خاستگاه و مبانی شکل‌گیری آن‌ها در چهار حوزه «مبانی دینی و اعتقادی»، «ارزش‌های انقلاب اسلامی»، «فرهنگ، تمدن، هنر ایران» و «ارتباطات فرهنگی بین‌الملل» قابل تفکیک می‌باشند (شکل ۴).



شکل ۲ - جهت گیری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و اسناد بالادستی



شکل ۳- درصد فراوانی مفاهیم دیپلماسی عمومی در قانون اساسی و قوانین بالادستی ج.ا.ایران



شکل ۴ - مبانی شکل گیری اصول دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در قانون اساسی و قوانین بالادستی

نتیجه گیری و پیشنهاد

این مقاله در ابتدا به بیان تعاریف و مبانی دیپلماسی عمومی پرداخت و روش‌های این شکل از دیپلماسی را بررسی کرد. در ادامه بحث رویکرد قانون اساسی و قوانین بالادستی کشور نسبت به موضوع دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بیان شد. از آنجا که قانون اساسی و قوانین بالادستی، راهنما و چارچوبی برای پیکره قوانین عادی کشور تلقی می‌شوند؛ اداره امور کشور می‌بایست بر پایه الهام از آن‌ها صورت پذیرد. رویکرد قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله کشور (۱۴۰۰-۱۳۶۸) به دیپلماسی عمومی در سه زمینه اصلی؛ شامل دکترین، اهداف و سیاست‌گذاری قابل تمیز است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، پس از بررسی قانون اساسی و اسناد بالادستی مشخص شد، چهار موضوع حمایت از مستضعفین جهان در برابر مستکبران، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم به‌ویژه فلسطین، نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و نیز مقابله با افزون‌خواهی در عرصه سیاست خارجی و مردم‌سالاری دینی به‌عنوان دکترین جمهوری اسلامی ایران در زمینه دیپلماسی رسمی و مردمی قابل احصاء می‌باشند. همچنین سعادت جامعه بشری، همگرایی اسلامی، تحکیم مناسبات با جهان اسلام، ملت‌ها، توده‌های مسلمان و نیز ارتقاء جایگاه ایران در افکار عمومی جهان به‌عنوان اهداف مورد نظر در قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی بیان شده‌اند. دکترین و اهداف دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله مورد اشاره قرار گرفته‌اند و رویکرد سیاست‌گذاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بیشتر در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و بخشی در سند چشم‌انداز بیان شده‌اند. سند چشم‌انداز بیست‌ساله جهت ارتقاء موقعیت جمهوری اسلامی ایران، با تصریح بر اصول قانون اساسی به ارائه تصویری روشن از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و هم‌زمان توجه به اهمیت عنصر فرهنگ و تمدن در انتقال پیام انقلاب اسلامی تأکید دارد. در سند چشم‌انداز تجربه نظام جمهوری اسلامی از مدل مردم‌سالاری دینی برای ارائه تصویری واقعی از ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نگاه کاربردی‌تری نسبت به رویکردهای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران دارند و طی آن مسیر سیاست‌گذاری دستگاه‌های اجرایی در این زمینه مشخص شده است. از آن جمله می‌توان به استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور، هویت ملی - اسلامی و برنامه‌ریزی امور فرهنگی آنان، ارائه کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای هدف، ظرفیت‌سازی برای مزیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی کشور، ترویج فرهنگ صلح، مفاهمه، عدم خشونت و همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها، بسط گفتمان عدالت‌خواهی، پیگیری دیپلماسی اقتصادی، برگزاری جلسات و کنگره‌ها با حضور صاحب‌نظران، متفکران، دانشمندان، هنرمندان و نهادهای علمی، فرهنگی و مدنی اشاره داشت. گزاره‌های دیپلماسی عمومی در مفاد قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی شکل‌گیری آن‌ها در چهار حوزه «مبانی دینی و اعتقادی»، «ارزش‌های انقلاب اسلامی»، «فرهنگ، تمدن، هنر ایران» و «ارتباطات و مناسبات فرهنگی بین‌المللی» قابل تفکیک می‌باشند.

قانون اساسی و اسناد بالادستی خط‌مشی‌های کلان دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده‌اند اما با توجه به روش‌های متنوع اعمال دیپلماسی عمومی و نیز متغیر بودن محیط بین‌الملل لازم است از طریق قوانین عادی نسبت به همسان‌سازی و به‌روز کردن راهکارهای تحقق‌دکترین، اهداف و سیاست‌ها اقدام شود. به‌رغم تأکیدات صریح اسناد بالادستی، هنوز اجماع صریحی در خصوص برخی از مفاد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در میان دستگاه‌های مجری وجود ندارد.

ارزیابی دقیقی از میزان دستیابی به اهداف و اجرای سیاست‌های دیپلماسی عمومی مندرج در قوانین نیز در دست نیست. چه‌بسا برخی از اهداف و سیاست‌ها، نظیر همگرایی کشورهای اسلامی، وحدت ملل اسلامی، جایگاه ایران در افکار عمومی، اجرای متمرکز سیاست فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در خارج، تقویت

هویت ایرانی - اسلامی ایرانیان و... با چارچوب ترسیم شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی کشور فاصله زیادی داشته باشند. بر همین اساس ضرورت دارد مجموعه دکترین، اهداف و سیاست‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی و قوانین بالادستی برشمرده شده است، تنقیح شود و اثربخشی هر یک از آن‌ها مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. تبیین نقاط قوت و مزیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران موجب تمرکز سیاست‌ها و منابع گردیده و دستیابی به اهداف را بیش از پیش محقق می‌سازد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- قرآن کریم.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- اخوان کاظمی، بهرام، (زمستان ۱۳۸۴)، نگاهی به سند چشم‌انداز بیست‌ساله و مؤلفه‌های سیاسی آن، فصلنامه علمی و پژوهشی حکومت اسلامی، سال ۱۰، ش ۴.
- امام‌زاده فرد، پرویز (بهار ۱۳۸۹)، بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست از دوران باستان تا زمان معاصر، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۲، ش ۷.
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۷)، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- تیلر، هامفری (۱۳۸۷)، به‌کارگیری دیپلماسی عمومی، مندرج در: دیپلماسی عمومی، کال، جی، ترجمه معاونت پژوهش، تهران: انتشارات دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
- حاتمی، علی (۱۳۹۳)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مجازی ماهان، تهران.
- خلیلی، محسن (پاییز ۱۳۸۷)، ویژگی‌های سیاست خارجی انقلابی از منظر خبرگان قانون اساسی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۵، ش ۲.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در ساختار و فرایند نظام بین‌الملل، مندرج در: بازتاب‌های انقلاب اسلامی، محمدباقر خرمشاد، تهران: سمت.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و همکاران، (۱۳۸۹)، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رابرتس، والتر (۱۳۸۶)، دیپلماسی عمومی: گذشته، حال، آینده، ترجمه فیروزه میر رضوی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۲)، صدور انقلاب: سیاست، اهداف و وسایل، مندرج در انقلاب اسلامی و بازتاب‌های آن، جان اسپوزیتو، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- شیلر، هربرت، (۱۳۷۷)، وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، تهران: انتشارات سروش.
- سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، (۱۳۸۳)، تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- شو، نانسی (۱۳۸۷)، دیپلماسی ایالات متحده، مندرج در: دیپلماسی عمومی، کال، نیکلاس، ترجمه معاونت دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
- صالحی، سید رضا و همکاران (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: نشر ققنوس.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بهمن ۱۳۶۶)، گوشه‌ای از دیپلماسی پیامبر اسلام (ص)، مذاکره با سفرا و قبایل و گروه‌های مذهبی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (تابستان ۱۳۹۱)، مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق خصوصی، دوره ۴۲، شماره ۲.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، انتشارات اداره کل قوانین و مقررات کشور.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۷۹).
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳).
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۹).
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، روزنامه رسمی، ش ۲۰۹۹۵، ۱۳۹۶/۱/۲۱.
- کال، نیکلاس جی (۱۳۸۷)، دیپلماسی عمومی: درس‌هایی از گذشته، مندرج در: دیپلماسی عمومی، نیکلاس جی کال، ترجمه معاونت آموزش، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت.
- منتظری، بهرام (تابستان ۱۳۸۸)، اخلاق و رفتار سیاسی پیامبر اعظم (ص)، فصلنامه تخصصی اخلاق، ش ۱۵.
- موسوی، صدرالدین (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، فصلنامه قدرت نرم، دوره ۳، ش ۹.
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۲)، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات باز.
- هادیان، ناصر و همکاران (پاییز ۱۳۸۸)، جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، ش ۳.

ب. منابع انگلیسی

- Bound, Kirsten & others, (2007), Cultural Diplomacy, London, and Magdalena House.
- Cultural Diplomacy, the Linchpin of Public Diplomacy, (Sep, 2005), Washington, U.S. Department of State.
- Melissen, Jan, (2005), Wielding Soft Power: The New Public Diplomacy, the Huge, Nederland Institute of International RelationClingendael.
- Nye, Joseph, (2005) Soft Power: The Means to Success in World Politics, U.S, Public Affairs Store.
- Szondi, Gyorgy, (2008), Public Diplomacy and Nation Branding, Conceptual Similarities& Differences, the -Huge, Nederland Institute of International Relation Clingendael.
- Trunkos, Judit, (2011), Changing Diplomacy Demands New Type of Diplomats, Columbia, University of South Carolina
- Barston, Ronald Peter, (1991), Modern Diplomacy, New York, Longman.
- Leonard, Mark&Others, (2002), Public Diplomacy, London, the Foreign Policy Centre, Elizabeth House.

